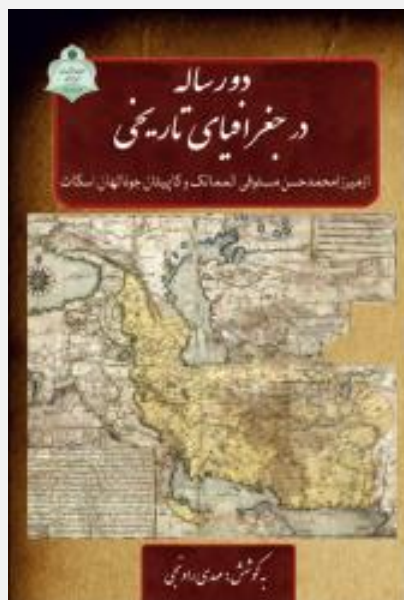




انتشار کتاب دو رساله در جغرافیای تاریخی/ تاریخ بدون جغرافیا مانند انسان بی وطن است

کتاب دو رساله در جغرافیای تاریخی با تصحیح مهدی راونجی از سوی قطب مطالعات فرهنگ و تمدن شیعه در دوره صفوی دانشگاه اصفهان منتشر شد.

کتاب دو رساله در جغرافیای تاریخی با تصحیح مهدی راونجی از سوی قطب مطالعات فرهنگ و تمدن شیعه در دوره صفوی دانشگاه اصفهان منتشر شد.

به گزارش خبرنگار مهر، مهدی راونجی مصحح دو رساله در مورد این کار توضیحاتی داده است که اکنون از نظر شما می گذرد. جغرافیای تاریخی دانشی با هویت دوگانه است چنانکه کارل ریتز جغرافیدان آلمانی می گوید: "جغرافیا بدون تاریخ، کالبد بدون روح است و تاریخ بدون جغرافیا بمانند انسان بی وطنی است که در چپ و راست حرکت می کند، جغرافیا صحنه تاریخ بوده و تاریخ نمایش این صحنه است." بدون تردید در تمامی مطالعات معرفت شناختی درباره سرزمین های مختلف اصلی ترین اطلاعات را دانسته های جغرافیایی از آن سرزمین تشکیل می دهد. اگر بپذیریم که تاریخ دریچه ورود به فهم بهتر از پیشینه انسان است، آنگاه خواهیم دانست که این پیشینه در فراز و فرود زمان برای تحقق نیازمند مکان و بالضروره متأثر از آن بوده است و در این پیوند دوگانه زمان (تاریخ) و مکان (جغرافیا) است که فهم بهتری از ماهیت انسان و سرزمین اش به دست می آید.

هردوت اولین دانشمندی است که در قرن پنجم قبل از میلاد به این تاثیر و تاثیر پی برد و جمله معروف او که "مصر هدیه نیل است" به عنوان قدیمی ترین مثال از تاثیر این دو علم بود و تاکید بر این اعتقاد که تاریخ و جغرافیا اگرچه در عمل و مضمون هیچ گونه توافقی ندارند، در شکل دهی به گذشته انسان سهیم بوده و باید حوادث تاریخی را در بستر جغرافیایی آن مطالعه کرد. تردیدی نیست که موضوع و مفهوم جغرافیای تاریخی به عنوان دانشی جوان در قیاس با سایر عناوین مشابه، قدمتی به درازای پیدایش انسان بر روی کره زمین دارد و از مجموع تعاریف نقل شده درباره جغرافیای تاریخی می توان دریافت که مولفه هایی همچون بررسی موقعیت های گوناگون حوادث تاریخی، تاثیر و تاثیر اقلیم بر حوادث انسانی، مطالعه تغییرات جغرافیایی مکان ها در پرتو زمان، بررسی سابقه انسان و گذشته تمدن بشری، تحول انواع مختلف معیشت، تحول بهره برداری انسان از سرزمین و... مهم ترین و درعین حال مورد اتفاق ترین ویژگی های تعاریف در نظریه های صاحب نظران بوده است... به هر حال با دقت در محتوای دو رساله این کتاب، ویژگی های فوق کاملاً قابل احصا است و همزادی زمان و مکان در حوادث تاریخی کاملاً آشکار. سرانجام می توان قول ریتز را تکرار کرد که "...جغرافیا صحنه تاریخ و تاریخ نمایش این صحنه است."

بنای تصحیح دو رساله بر نسخه شماره 730 بوده که در مرکز احیاء میراث اسلامی قم با مشخصات (ماخذ: کتابخانه مرکز احیاء میراث اسلامی، ج 2، در صفحات 386 تا 388، کد دستیابی: 730) محفوظ است و آن را با عنوان "تاریخ طوایف" ضبط و ثبت کرده اند. رساله "کیفیت جمع مال گذاری و جمعیت مملکت ایران در عهد شاه سلطان حسین صفوی" بخش دوم از مجموعه است، در رساله دوم که در کمتر از 10 صفحه به خط نستعلیق زیبا، با عنوان ها و نشان های شگرف و در هر صفحه با 14 سطر نگارش یافته است درواقع تخمین میرزا محمدحسن مستوفی الممالک از جمعیت و کیفیت جمع مال گذاری ایران در اواخر دوران صفوی و عهد شاه سلطان حسین صفوی است.

این امکان است که رساله را در 3 بخش تقسیم و معرفی کرد: 1. تعیین سرحدات ایران در آن زمان؛ 2. بر شماری طوایف و اقوام آن دوره با ذکر وجه تسمیه؛ 3. کیفیت جمع مال گذاری مملکت ایران در سنه 1128 ق. البته نویسنده رساله، میرزا محمدحسن مستوفی الممالک، در نگارش به تقسیم بندی رساله به صورت کلی التفات داشته است؛ اما مصحح به جهت فهم بهتر و با توجه به کوتاهی رساله، سعی در تقسیم بندی رساله کرده است و از این رو رساله را در چهار قسم کلی تدوین و تصحیح کرده:

باب اول: درباب سرحد ایران است؛

باب دوم: تفصیل ایلات ایرانی است؛

باب سوم: تفصیل ایلاتی است که از عهد پادشاه کیان تا صفویه از خارج مملکت به ایران آورده اند؛

باب چهارم: در ذکر جمع مال گذاری شهرهای مملکت ایران است.

باید در نظر داشت از نکات مهم این رساله جزئیاتی است که نویسنده درباره آمار جمعیت ایران آن روز و میزان خراج ارائه می‌دهد. این بخش با توجه به منصب میرزا محمدحسن به‌عنوان مستوفی‌الممالک در جای خود درخور تامل و بهره‌برداری است. در پایان کار با راهنمایی یکی از دوستان بزرگوار به تصحیح رساله ای تحت عنوان "آمار مالی و نظامی ایران در 1128 یا تفصیل عساکر فیروزی متأثر شاه سلطان حسین صفوی" که در جلد 20 نشریه فرهنگ ایران زمین در سال 1353 به کوشش مرحوم محمد تقی دانش پژوه به چاپ رسیده بود برخوردیم ایشان در مقدمه مختصر خود در خصوص نحوه دستیابی به این نسخه آورده است: "در کتابخانه دانشگاه لوس آنجلس نسخه‌ای است به شماره M322 به خط نستعلیق سده 13 که ص 1-7 و 21-9 و 50 و 107 و 116-109 آن سفید گذارده شده و در ص 22-49 و 51-54- آن این رساله آمده و در 56-108 گزیده آن به زبان انگلیسی دیده می‌شود. .. بنابراین نسخه تصحیحی مرحوم دانش پژوه به عنوان نسخه بدل لحاظ شد و در پاورقی با عنوان نسخه "ل" (لس آنجلس) از آن یاد شده است.

"این رساله آماری است از سپاهیان و خاندان های ایرانی که نسخه ایست ((از روی تحفه شاهی در اصفهان نقل گرفته شد بعضی اسامی سرداران (مولف) از خود ایراد نموده و به سرعت هرچه تمام تر نوشته شد . کیفیت جمع مال گذاری و جمعیت خلقت مملکت در 1128 زمان سلطان حسین به اهتمام میرزا محمد حسین مستوفی تخمین شده)) است..." با توجه به تاریخ تدوین به نظر می‌رسد نسخه 730 (اصل) قدمت بیشتری دارد و میزان اغلاط آن کمتر می‌باشد مرحوم دانش پژوه می‌افزاید: "تاریخ تدوین آن 1215 (1800) است. در روزگار دودمان قاجار تحفه شاهی را هم نتوانستم بشناسم و نباید هم از نصیری طوسی باشد (فهرست بریگل ص 1473) شاید روزی این کتاب بدست بیاید یا در جایی نشانی از آن باشد که من نمیدانم . میرزا محمد حسین مستوفی روزگار شاه سلطان حسین را هم امیدوارم آشنایان به تاریخ صفوی بشناسند. من این رساله را آنچنانکه در نسخه آمده است بی آنکه تصرفی در آن بکنم در اینجا آورده ام ... " با توجه به اینکه نسخه "ل" دو بخش یکی "تفصیل عساکر فیروزی.." و دیگری "تفصیل جمع مال گذاری .." را نسبت به نسخه "اصل" اضافه داشت لذا هر دو بخش به جهت تکمیل رساله عینا نقل گردید.

اساس تصحیح رساله بر نسخه شماره 730 مرکز احیاء میراث اسلامی بود، اما در حین تصحیح رساله جغرافیای تاریخی جهان از کاپیتان جوناتهان اسکات به اشاره نویسنده به کتاب حدیقه‌الاقالیم برخوردیم در مراجعه به کتاب مذکور (چاپ سنگی) مشخص شد رساله دوم به عنوان بخشی از کتاب حدیقه‌الاقالیم نوشته مرتضی حسین‌المخاطب به‌الله یار بلگرامی است که کاپیتان اسکات بعد از رویت متن حدیقه آن را نوشته و به کتاب حدیقه‌الاقالیم اضافه شده است، به همین منظور با نسخه چاپ سنگی مقابله شد که این مقابله را با نشانه "ح" در پاورقی ذکر شده است.

مرتضی حسین در خطبه مولف کتاب حدیقه‌الاقالیم در چند صفحه به اختصار به سال و روند تالیف کتاب خود اشاره می‌کند و درباره خود می‌نویسد: " اما بعد محرر این اوراق، عاصی، مرتضی حسین المخاطب به‌الله یار عثمانی بلگرامی بر نظر اصحاب بصیرت جلوه می‌دهد که از عمر ده سالگی مطابق یک‌هزار و یکصد و چهل و دو هجری نبوی صلی الله علیه و سلم (1142 ه.ق) تا به سن پنجاه و پنج موافق یک هزار و یکصد و هشتاد و هفت هجری (1187 ه.ق) از عهد وارث تاج و تخت صاحبقران امیر تیمور گورگان، محمد شاه پادشاه صاحبقران ثانی خدایگان مغفور تا وسط سلطنت ابد مدت عالی گهر پادشاه المخاطب به‌الله عالم ثانی خلدالله ملکه در خدمت بسیاری از امرای هند و... به‌صیغه نوکری و خدمات عمده حضوری به‌سر برده ... "

مرتضی حسین در همین سطور با اشاره به اسامی امرایی که در دربار آن‌ها به خدمت مشغول بوده است، در جمله‌ای کوتاه می‌گوید " ... و چند سال از نیرنگی زمانه خانه‌نشین گشته.... " این نشان از دسیسه‌چینی برای کناره‌گیری او از منصب حکومتی دارد و این خانه‌نشینی به نوعی از انگیزه او در تالیف کتاب حکایت دارد. وی می‌افزاید: " ... در سن پنجاه و هفت مطابق سنه یک هزار و یکصد و نود هجری (1190 ه.ق) در آخر ماه جمادی‌الاول به تقریب دوستی بی‌ریو[یا] و رنگ رجب علی نامی، ساکن باره در خدمت صاحبی از صاحبان فرنگ مسمی به مستر والا صفات، مجمع حسنات، کپیتان جوناتهان اسکات انگریز[ی] المخاطب به جلال‌الدوله، مفاخر جنگ، زادالله بقاوه که ترجمه نام شریفش در انگریزی الله بخش ما شد و اسکات نام جد آن قبیله است آثار سخاوت و شجاعت از ناحیه‌اش پیدا و حلم و وقار از لهجه‌اش هویدا، در میدان مروت به چوگان فتوت، گوی از معاصران بوده، مشرف شد.... " وی درباره ویژگی‌های اسکات، علاوه بر صفات فوق، به ذوق و ذکاوت او در آشنایی با زبان عربی و فارسی و علاقه‌مندی به مطالعه کتب مختلف اشاره دارد و ادامه می‌دهد: " ... و در مطالعه کتب روزمره عربی و فارسی و شنیدن حکایات عجیب و غریب و سخنان حکمت و احوال اسلاف دعوی تمام دارد.... "

با توجه به توضیحات مرتضی حسین، در تدوین کتاب حدیقه‌الاقالیم کاپیتان اسکات نقش موثری داشته است و نه تنها بخشی از آن کتاب، این رساله است؛ بلکه کلیت مطالب نیز به تأیید اسکات رسیده است. به اقرار مرتضی حسین " ... در عهد وزارت وزیر بن‌الوزیر ابن‌الوزیر آصف جاه وزیرالممالک آصف‌الدوله یحیی خان بهادر بن شجاع‌الدوله طال‌الله تعالی عمره و اقباله ... سطری چند از کتب معتبره که نام‌های آن در ضمن کتاب اکثر جا[ها] مرقوم است، مشتمل بر احوال کره ارض و ربع مسکون و اقالیم سبعة و بندی از عجائب و غرائب هر دیار و شمه‌ای از اخبار انبیای کبار و سلاطین روزگار و برخی از احوال حکما و مشاهیر امصار و اکثر حالات انگریز و دیگر فرنگیان آنچه از کتب به دست آورده و از مستر جوناتهان اسکات و غیره استماع نموده و به همراهی آن جماعت به مشاهده در آمده، به فهم ناقص اقتباس شایسته کرده مختصری در سلک تحریر کشیده به حدیقه‌الاقالیم موسوم گردانید "

بلگرامی در ابتدای نقل صحبت‌های کاپیتان اسکات نیز چنین می‌نویسد: " ... به ضمایر ارباب بصایر مخفی نماند که چون کتاب حدیقه‌الاقالیم پیرایه اختتام پوشید به نظر کیمیا اثر کپیتان جوناتهان اسکات ... گذشت، بعد از تحسین بلیغ، فرموده هر چند

این نسخه از عجایب و غرایب امصار... مشحون است؛ اما از احوال دنیای نوعاری و عاطل است. گفتم که در تاریخ اسلامیان احوال دنیای نو بر سبیل اجمال چنان که فرستادن کشتی جهت دریافت عمارات ماسوای معروفه در اخبار اسکندر رومی به غیر از شهرهای بزرگ و کوچک در اقلیم سبعة اشارتی رفته ...؛ اما شرح و بسط این خصوص احوال دنیای نو در کتب فرنگ سیر است اگر به ترجمه این پردازند مناسب این کتاب و یادگار آن جناب بماند. پس بر حسب آن آرزوی راقم از کتب ضخیم که به زبان ایشان بود، اقتباسی شایسته به طریق اجمال به زبان فارسی ترجمه نمود چنان که فصلی که می‌آید به نام نامی اوست... " بنابراین باتوجه به اعتراف صادقانه بلگرامی این رساله در حقیقت بخشی مستقل می‌باشد که به همت کاپیتان اسکات و به درخواست بلگرامی تهیه شده است تا به قول اسکات "...چه نشان دوستی مسلمان و فرنگی قایم ماند...". و بعد از تالیف کتاب حدیقه الاقالیم به آن ضمیمه شده است.

وی در وجه تسمیه کتاب به حدیقه الاقالیم نیز می‌افزاید: " این نسخه که خبر از عجائب و غرائب عالم و عالمیان می‌دهد... در نظر طالبان باغی است دل‌گشا که هر هفت اقلیم چون گل‌های رنگارنگ به طرزهای گوناگون در نظر مطالعه‌کنندگان جلوه پیراست؛ اما مقبول آنگاه شود که قبول نظر عالیش گردد... " درخصوص تاریخ کتابت نسخه باید گفت جمله‌ای کوتاه در ابتدای رساله با این عنوان که "1196 محرری شده است" بیانگر سال کتابت است. باتوجه به تاریخ 1190 ق که بلگرامی به عنوان سال آشنایی با کاپیتان اسکات ذکر می‌کند؛ همچنین اشاره کاپیتان اسکات به تاریخ نگارش در بخش پایانی "... اکنون که سنه یکهزار و یکصد و نود و شش هجری (1196 ه.ق) است..." این امکان وجود دارد که تحریر نسخه و تالیف کتاب را در یک زمان دانست.